

حدیث بی پایان.....

سی سال از شهادتِ فرزانه زمان و مبلغ کلام ما گذشت!

اندیشمندی که خونس را بعنوان میراثِ عدالتخواهی و آزاد اندیشی بر ما به امانت گذاشت. دلباخته حقیقتی که حلاوت کلامش حدیث دردهای دیرینه مابود.

نام شهید علامه محمد اسمعیل مبلغ با تاریخ تحول و تجدد فکری در یک قرن گذشته افغانستان گره خورده، روح آزاده ای که ضمیر پاکش تجسمی از معنویت، نبوغ و استعداد یک نسل بود. شهید استاد مبلغ در سال هزار و سیصد و پانزده خورشیدی در بهسود ولایت میدان دنیا آمده، در کودکی از ذهن بیدار و تندی هوش بی مانندی برخوردار بود. حاجی مسافر پدر استاد مبلغ او را ملبس به لباس روحانیت ساخت.

مبلغ از محضر بزرگانی چون: آیت الله سید علی جان علم الهدی، مرحوم سید انور شاه و شهید آیت الله شیخ محمد امین افشار، مولوی قربت و مولانا عزالدین ایجبی کسب فیض نمود. موفقیت های مبلغ نزد اساتید و بزرگان رشک دیگران بر می انگیخت.

سال پار سعادت نصیب شد و از ورای برنامه چهره های آشنا یاد آن فرهیخته ای بزرگ را در کنار اساتید و یاران صاحب دل و درد آشنای مبلغ: استاد واصف باختری، داکتر لطیف ناظمی، استاد محمد آصف آهنگ و داکتر عنایت الله شهرانی که وجود شان بی بلا و سایه معرفت شان مستدام باد، تجلیل نماییم.

بیشتر تماس مخاطبان آن برنامه روشنفکران و اهل تحقیق بودند از نسل دوم و سوم ما. دو نسلی که اکثر شان در زمان حیات پربار استاد شهید وجود نداشتند. و اگر هم بودند کودک چند سالی بیش نبودند.

چرا اشتیاق برای شناخت این روح نا آرام بیشتر از هر زمانی دیگر انتظار میرود؟ و نیازش احساس می شود؟ سوألیست سخت که نمیتوان در یک جمله پاسخ گفت؟

مبلغ نمادی از جرئت و معرفت بود با سیمای حلیم و کریم و قامت بلند و چهره مصمم و آرام، دل پر آرمان و سینه پر از درد که همه او را بیاد داریم و میدانیم؛ حال متوجه میشویم که شناخت چنین شخصیت بزرگ فضل و ادب میخواهد، جرئت و کمال لازم دارد؛ شخصیتی که شهادتش پیوند بسی عمیق با هر نسل و زمین و زمان ما دارد.

خونی که پیامش نسلی را به بیداری و عدالتخواهی دعوت میکند؛ سالها باید تحقیق کرد تا اندک او را شناخت. گرچه دوستان دیگر استاد شهید درین سی سال فراق نوشتند و گفتند، و بار سنگین مسوولیت مبلغ شناسی را بجا آوردند و انجام دادند. دوست دیرینه او مرحوم شادروان داکتر علی رضوی غزنوی که تا آخر عمر در فراقش زجه کشید و درد دید، ادیب دانشمند مرحوم علی حسین نائیل، فرهنگی فرهیخته مرحوم میرمحمد صدیق فرهنگ و استاد عبدالله سمندر غوریانی که سی دقیقه در نوای کهسار استرالیا از مبلغ گفت و گریست.

داکتر عسکر موسوی که بیشتر از بیست سال از مبلغ میگوید و می شنود و شهر به شهر دنبال هرنشانی اوست، استاد رهنورد زریاب، مرحوم استاد محقق افشار، کاظم یزدانی، داکتر عبدالعلی لعلی، تا نسل دوم ما کاوه آهنگ، داکتر پرخاش احمدی، استاد علی الهادی المدنی، داکتر احمد حسین نهضت، داکتر وحید بینش، حامد رضوی، دهقان زعما و شنبلی همه حرفی برای گفتن دارند، حرفهای که هرگز پایان نخواهد داشت.

نصیر مهرین که در شناخت بزرگان مان پیشگام اند، در چند صحبت اخیرمان راجع به شهید مبلغ مرا بیشتر از هر زمانی دیگر بر مرادم محکمترا ساخت. اگر از ندیهی یادکردیم صحبت از مبلغ شد. اگر از سفرنامه کابل حکایت کرد صحبت از افکار مبلغ، و مبلغ شناسی در بین دانشگاهیان کابل و جوانان امروز به میان آمد.

آری! مبلغ فرزند دلیر عزت و افتخار یک ملت بود. آنکه برای فردای عاری از تعصب و تبعیض ملتش هیچ تعدیری نمی پذیرفت؛ از تعارف می گذشت و به تعانق باور داشت؛ با ایراد خطبه های داغ و روشنگر علمی و اجتماعی و سیاسی در تکایای کابل، و بدست گرفتن کرسی استادی دانشگاه و ایجاد ارتباط با رجال و بزرگان نامدار افغانستان، تلاش کرد تا افکار آزادیخواهی و استعمار ستیزی خود را توسعه و تبارز دهد. نه در تجدد افراط کرد و نه با افراط گری دینی گام برداشت. از خط اعتدال اسلامی طرفداری میکرد؛ آرزو داشت که همه ملت زیر یک چتر عدالت به ساختار یک نظام ایده آل مردمی نائیل آیند.

فضای تکایای سخنرانی دانشگاهی بود، خانه شخصی اش مدرسه و دانشگاه دیگری در جنب دانشگاه کابل پاتق صدها مبارز و روشنفکر و آزادیخواه و طلاب بود. محراب عبادت و منبر ترویجش نیز در همان خانه بود.

همه زندگی را به تحقیق و پژوهش گذراند، برای امرار معاش خانواده کار میکرد؛ فضای خانه و خانواده پر از اندوخته های معنوی بود.

باکمال جرئت و صداقت صدای مردمش را از پشت تریبون مجلس شوری ملی بلند کرد. ماههای آخر عمر سیمای اباندر داشت، دلش برای دو اباندر می طپید؛ اباندر کوچک خودش که میدانست زمان فرارسیده، و باید از کنارش رخت بست و رفت. و اباندر اسطوره اش که به می پیوست. عطرگل ناب در بغل داشت حریرش دفاع از انسان و حق انسانیت بود. غروب زود هنگام او طلوع درخشان دیگریست بر بستر زمان ما که باران رحمتش کویر زرد ناباوری هایمان را دوباره سبز ساخت. و در سیمای معرفت حسین و همایون به بار گل نشانند. و ننگیست نا بخشودنی بر پیکر جهل و تعصب ستم پیشگان تاریخ که میتوانند حیات مبلغ را از ما بگیرند اما تفکر، اندیشه و افکار او که ریشه در باورهای دیرینه ما دارد هرگز.

یادش گرامی باد

آری! دوستان عزیز چهره های آشنا

اینک سیمین سال عروج ملکوتی او را در یک شب آدینه پای صحبت های دوست دیرینه و هم
فکراو استاد عبدالله سمندر غوریانی و پژوهشگر و محقق جوان کشور پروفیسور پرخاش احمدی می
نشینیم تا از مبلغ بشنویم و بدانیم و به پیام استاد سخن و اصف باختری و استاد رهنورد زریاب گوش
جان فرادهم.